

حادثه‌ها

۴۵ کشته در زلزله پاکستان

● زلزله قدرتمندی که ظهر دیروز ایالت بلوچستان پاکستان را لرزاند بیش از ۴۵کشته و خساراتی سنگین بر جای گذاشت. این زلزله برخی شهرهای استان سیستان‌وبلوچستان شامل سراوان،قنوج،نیکشهر،قصرقندو چابهار را نیز به‌لرزه درآورد اما در ایران خسارتی در پی نداشت. همچنین مردم برخی شهرهای هند نیز این زلزله را احساس کردند. رضا اربابی مدیرکل ستاد مدیریت بحران استانداری سیستان‌وبلوچستان به تسنیم گفت: زمین‌لرزه ۷/۸ ریشتری کشور پاکستان که ساعت ۱۴۵۹ دقیقه در منطقه اوران این کشور رخ داده خساراتی را برای استان سیستان‌وبلوچستان تا ۷/۸ در مقیاس امواج درونی زمین و عمق آن را حدود ۳۰کیلومتر اعلام و خاطر‌نشان کرد فاصله مستقیم کلون این زلزله تا خلیج چابهار حدود ۵۲۶کیلومتر و تا نزدیک‌ترین ساحل حدود ۱۹۱کیلومتر است. دکتر مهدی زارع معاون پژوهشی پژوهشگاه بین‌المللی زلزله نیز گفت: این زلزله در انتهای شرقی گسل مکران رخ داده است، اخبار منتشرشده‌از پاکستان از مرگ حداقل ۴۵۰کستانی در این حادثه حکایت دارد. این در حالی است که مرکز مطالعات زمین‌شناسی آمریکا اعلام کرد زلزله ۷/۸ ریشتری پاکستان در «وضعیت هشدار قرمز» است به این معنی که می‌تواند بیش از هزار قربانی داشته باشد و بیش از یکمیلیارد دلار خسارت بر جای بگذارد. اکسپرس تربیبون - روزنامه پاکستانی انگلیسی‌زبان - نیز گزارش داد در پی وقوع این حادثه طبیعی سقف دو مدرسه در منطقه «اوران» فرو ریخت و تعداد قابل توجهی از خانه‌های این منطقه تخریب شد.همچنین شمار ناشخصی از مردم محلی نیز مجروح شدند.

انهدام باند سارقان کیف‌قاپ

● **پلیس خیر**: باند شش نفری اخاذی و کیف‌قاپی در شیراز متلاشی شد. سردار سجادیان فرمانده انتظامی استان فارس در این‌باره گفت: اعضای این باند با استفاده از خودرو پراید سرفرتی و نصب پلاک مسروقه روی آن، در شمال و شمال‌غرب شیراز اقدام به سرقت کیف‌دستی و گوشی تلفن همراه از زنان می کردند. سردار سجادیان بیان کرد: هفته گذشته اعضای این باند شش نفری شناسایی و دستگیر شدند و از آنها ۲۵۶ دستگاه تلفن همراه، دودستگاه دوربین عکاسی و اموال مسروقه دیگر کشف شد.

شرق: گرگ‌بها و ناله‌های محمد با بلندشدن صدای اهرم‌ها قطع‌شد. او دست‌وپا می‌زد و سعی داشت پاهایش را روی زمین نگه دارد. عرق سرد همه بدنش را فرا گرفته بود. طباب گلویش را فشار می‌داد. حاضران در محل اجرای حکم از پدر مقتول درخواست بخشش می کردند. کمی آن سوتر در سولوی که محکومان حبس‌ابدی را نگهداری می‌کنند، مردی با موهای جوگندمی تا صبح چشم برهم نگذاشته بود. او انتظار مرگ پسر ۲۱ساله‌اش را می‌کشید. عقربه‌ها به عدد پنج که رسیدند، فهمید دیگر تمام است. فرزندش، محمد که به جرم قتل به قصاص محکوم شده است، به‌دار آویخته خواهد شد و همه‌چیز به پایان می‌رسد اما ناگهان پدر مقتول تصمیم تازهای گرفت: «بخشیدم، به خاطر خدا، جوانی‌اش و شماه، سربازها بلافاصله به سمت محمد هجوم بردند و طباب را شیل کردند. محمد جانی دوباره یافته بود. هنوز بدنش می‌لرزید. به پای پیرمرد افتاد و از او تشکر کرد. همه‌هه که اتاق اعدام ادامه داشت و حاضران هرکام به روشی از این مرد تشکر می‌کردند. در سلول سرد پدر محمد، در حالی که او داشت آماده پذیرفتن غم مرگ فرزندش می‌شد، یکی از ماموران به سمتش رفت و گفت: «گفته بودم که همیشه امیدوی هست» مرد می‌ترسید بپرسد چه شده هرچند جمله امیدوارکننده بود. مامور گفت: «یک هفته فرصت دادند. پدر مقتول گذشت کرد»

محمد سه‌سال است که در زندان مرکزی اهواز منتظر اجرای حکم قصاص است. او وقتی ۱۸سال داشت جوان دیگری را که همسن خودش بود به قتل رساند. محمد بعد از دستگیری و اتمام تحقیقات اولیه برای محاکمه به شعبه ۷ دادگاه کیفری استان خوزستان معرفی شد. او اتهام قتل را قبول کرد و گفت: من و مقتول با هم دوست بودیم. روز حادثه اختلافی با هم پیدا کردیم که باعث شد کنترل خودم را از دست بدهم و او را با چاقو بزنم قصدم کشتن او نبود و به‌خاطر اتفاقی که افتاده است شمیمان هستم» محمد که از کودکی به خاطر فقر پدرش همیشه در عذاب بود در جریان تحقیقات گفت: «ما خانواده فقیری بودیم.مادرم زن بی‌سواد و تنهایی است که همیشه سعی می‌کرد از ما مراقبت کند من فرزند بزرگ او هستم. پدرم به هر دری زد که بتواند برای ما

شرق: مردی که برادرزنش را به قتل رسانده است پای میز محاکمه رفت و اتهامش را پذیرفت. کارآگاهان جنایی استان فارس آخرین روزهای سال گذشته از وقوع جنایت در خانه‌ای مطلع شدند و وقتی به آنجا رفتند دریافتند جوانی به نام میثم با ضربه چاقو از پدر آمده است. کارآگاهان با پرس‌و‌جو از اعضای خانواده مقتول پی بردند داماد خانواده به‌نام محمود عامل این قتل است. تحقیقات برای دستگیری محمود بعد از انتقال جسد مقتول به پزشکی قانونی آغاز شد و کارآگاهان بعد از جست‌وجو و پیگیری سرنخ‌ها متهم را به دام انداختند. محمود در بازجویی‌ها به قتل اعتراف

فرم درخواست اشتراک *شرق* در تهران

کلیه متقاضیان محترم می توانند هزینه اشتراک خود را براساس مبالغ مندرج در جدول ذیل به شماره حساب ۶۸۶۸۹۵ نزد بانک سپه شعبه میرزا کوچک‌خان (قابل پرداخت در کلیه شعب) به نام محمدامیر مظاهری واریز و اصل سند بانکی مربوطه را به همراه فرم تکمیل شده ذیل به یکی از سه طریق زیر به دفتر امور مشترکین تحویل فرمایند.

۱- تماس با شماره تلفن‌های ۳۲ - ۸۸۸۱۴۲۳۰ جهت اعزام مامور برای دریافت مدارک.

۲- مراجعه به آدرس دفتر واقع در خیابان میرزا شیرازی - نبش کوچه نهم- پلاک ۴۹- طبقه فوقانی بانک سپه

۳- ارسال از طریق دورنگار به شماره ۸۸۸۴۱۲۷۹

۱- ساعت تحویل روزنامه ۵ صبح الی ۱۱ صبح می‌باشد.

۲- شروع ارسال روزنامه برای متقاضیان که در خواست خود را به صورت کامل تحویل داده‌اند، حداکثر ۱۵ روز بعد از تحویل مدارک خواهد بود.

۳- مبالغ مندرج در جدول بابت یک نسخه اشتراک می‌باشد.

۴- نوشتن کد پستی و شماره تلفن در فرم ضروری می‌باشد.

۵- در صورت عدم دریافت روزنامه مراتب را به امور مشترکین اطلاع دهید، در صورت عدم اطلاع به منزله دریافت تلقی می‌شود. توجه: لطفا کپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک نزد خود نگه دارید.

مدت	۱ ماهه	۳ ماهه	۶ ماهه	۱۲ ماهه
قیمت (ریال)	۳۶۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰	۱/۹۵۰/۰۰۰	۳/۷۰۰/۰۰۰

رسید دریافت فیش یا وجه نقد

بدین‌وسیله.....ریال وجه نقد □ فیش □ چک □ بشرح زیر جهت اشتراک.....نسخه روزنامه شرق به مدت.....ماه از مشترک شماره.....به نام.....دریافت نمودم.

نحوه پرداخت	شماره فیش/چک	تاریخ	نام بانک	نام شعبه	کد شعبه	مبلغ
نام و نام خانوادگی در یافت کننده:	نام موسسه:					

توجه: لطفا نحوه مطلوب دریافت روزنامه را اعلام دارید:					
مدت اشتراک: ۱ ماهه □ ۳ ماهه □ ۶ ماهه □ ۱۲ ماهه □	کد اشتراک	تعداد نسخ اشتراک			
نام:	نام خانوادگی:	نام موسسه:	امضای متقاضی:		
آدرس دقیق:					
کد پستی:	تلفن:	نمابر:			

حوادث



عکس: محمد زاینبی

بخشش در لحظه آخر

پدر مقتول با دیدن قاتل بالای‌دار اعلام کرد او را می‌بخشد

کشاند. پسر نوجوانی بودم که پدرم محکوم به حبس‌ابد بود و باید زندگی اعضای خانواده‌ام را تامین می‌کردم. در این اثنا با مقتول که رفاقتی با هم داشتیم درگیر شدم و این درگیری

زندگی خوبی درست کند و بالاخره به خلاف کشیده و به اتهام قاچاق موادمخدر به حبس‌ابد محکوم و مادرم تنها شد. فشارهایی که بر خانواده ما وارد می‌شد من را هم به نابودی

نجات ۲ محکوم به قصاص از مرگ

رییس زندان مرکزی خرم‌آباد از اخذ رضایت اولیای‌دم در آخرین لحظات اجرای حکم اعدام و رهایی متهم از مرگ خبر داد. علی جافری گفت: در نتیجه رازینی‌های متعدد در سطوح مختلف خوشبختانه اولیای‌دم در آخرین لحظات با گذشت و بزرگواری خود زمینه‌بازگشت متهم را به زندگی فراهم کردند وی بیان کرد: متهم از عمل خود به‌شدت متنبه شده و در طول حبس با تاسی به قرآن و تکالیف دینی تغییر جدی را در رفتار وی شاهد بودیم. همچنین رییس دادگستری شهرستان میناب از آزادی فردی متهم به قتل پس از ۲۱سال حبس خبر داد. منوچهر خیرخواه گفت: قتلی آذر سال ۷۱ در یکی از محلات میناب اتفاق افتاد که پس از سیر مراحل قانونی این پرونده، متهم راهی زندان شد. رییس دادگستری شهرستان میناب افزود: مقتول که در آن زمان به‌عنوان سرباز وظیفه در سپاه ناحیه میناب مشغول خدمت بود، در حین انجام وظیفه و مسوولیت خود به قتل رسید. وی ادامه داد: فرد زندانی پس از تحمل ۲۱سال حبس و گرفتن رضایت از اولیای دم از زندان آزاد شد.

قتل برادرزن در جلسه آشتی‌کنان

جلسه رسیدگی به این پرونده که دو روز قبل برگزار شد جرم محمود را محرز ندانست و خواستار مجازات وی شد. اولیای دم مقتول نیز اعلام کردند خواسته‌شان صدور حکم قصاص برای متهم است. سپس محمود در جایگاه ایستاد. او گفت: «من و همسرم مدتی قبل دچار اختلاف شدیم و کشمکش‌های ما ادامه داشت تا اینکه زنم به حالت قهر خانه تر اک کرد و به منزل پدرش رفت. من برای آشتی کردن و

منجر به قتل او شد در حالی‌که من اصلا قصد کشتنش را نداشتیم.» آن زمان با توجه به درخواست اولیای‌دم دادگاه رای برقصاص صادر کرد و محمد از دیوانعالی کشور خواست تا پرونده را یکبار دیگر رسیدگی کند. حکم قصاص در دیوانعالی تایید شد و مرحله استینان را نیز پشت‌سر گذاشت. با این حال قضات اجرای احکام اهواز سعی کردند رضایت اولیای‌دم مقتول را جلب کنند و خاتم محمدی یکی از این قضات چندین جلسه صلح‌وسازش را ترتیب داد اما از آنجایی که محمد پدری نداشت که به بیرون از زندان برای جلب رضایت اولیای‌دم اقدام کند این جلسات نیز بی‌نتیجه ماند و قرار شد محمد صبح دوشنبه - دو روز قبل - پای چوبه‌دار برود. به همین دلیل از یکشنبه‌شب تلاش‌ها برای جلب رضایت اولیای‌دم از سوی برخی از نمایندگان اهواز در مجلس و بزرگان قبیله صامدی که مقتول از آن قبیله بود، آغاز شد. با این حال پدر مقتول حاضر به گذشت نشد و گفت داغ فرزند دیده و نمی‌تواند قاتل را ببخشد اما او در آخرین لحظات اهرم وصل شده به طناب دار را رها کرد و گفت گذشت می‌کند.

عبدالصمد خرمشاهی که قرار است وکالت محمد را برعهده بگیرد روز گذشته درخصوص این پرونده گفت: پدر محمد از زندان با من تماس گرفت و ماجرای این پرونده پر درد فرزندش را برایم توضیح داد. هرچند در این مرحله دیگر به لحاظ حقوقی نمی‌شد کاری کرد اما من پذیرفتم در صورت توقف اجرای حکم وکالت این جوان را برعهده بگیرم و خدا را شکر که این اتفاق افتاد. خوشبختانه پدر مقتول متوجه است که با قصاص محمد فرزندش برنمی‌گردد و یک هفته مهلت داده تا بتوانم رضایت او را جلب کنیم. وی ادامه داد: به اتفاق دو نفر از همکارانم و برخی از خیرین برای صحبت با اولیای‌دم و گرفتن وکالتنامه از محمد راهی اهواز خواهیم شد، تا برای نجات جان این جوان هرچه به لحاظ قانونی در توان داریم انجام دهیم. خوشبختانه دادستانی اهواز نیز در اسن پرونده کمال همکاری را کرده و ما به خاطر گرفتن مهلت یک هفته‌ای از اولیای‌دم از آنها تشکر می‌کنیم. البته با توجه به اینکه خانواده محمد تمکن مالی ندارند ما امیدوار به همکاری مردم هستیم و می‌دانیم که مثل همیشه آنها به ما کمک خواهند کرد.

بازگرداندن او به منزل راهی خانه پدرزنم شدم اما در آنجا باز هم اختلاف پیش آمد، متهم ادامه داد: «در حالی که مشغول مشاجره با والدین همسرم بودم برادرزنم هم جلو آمد و در ماجرا دخالت کرد همین کار او باعث شد به‌شدت عصبانی شوم و نتوانم خودم را کنترل کنم. من برای آشتی کردن با همسرم و بازگرداندن او به خانه پدرزنم رفته بودم و به هیچ‌وجه قصد نداشت‌م با کسی دعوا کنم یا مرتکب قتل شوم اما زمان حادثه نتوانستم خودم را کنترل کنم، بنا بر این گزارش هیات قضات بعد از شنیدن صحبت‌های متهم ادامه رسیدگی به این پرونده را به آینده موکول کردند.

آزار ۴ کودک در پرونده مرد سابقه‌دار

کارآگاهان با کمک شاکیان مشخصاتی را از مرد ناشناس تهیه کردند و امانه تحقیقات را برای دستگیری او گسترش دادند اما تلاش‌های صورت گرفته به نتیجه‌ای نرسید تا اینکه این‌بار خانواده سپرچی‌ها با مراجعه به پلیس همان آگاهی استان خراسان رضوی خبر دادند فرزندشان مورد سوءاستفاده قرار گرفته است. در جریان تحقیقات مشخص شد مردی که سوار بر خودروی وانتی بود بدا دیدن این دختر که به تنهایی در خیابان حضور داشت به بهانه پرسیدن آدرس به او نزدیک شد و طعمه‌اش را به زور سوار خودرو کرد و وی را به منطقه‌ای خلوت کشاند و مورد آزار قرار داد. در حالی‌که پلیس برای یافتن ردی از مرد وانت‌سوار وارد عمل شده بود دومین شکایت نیز علیه متهم ناشناس به ثبت رسید. دومین کودک نیز به همین شیوه مورد آزار قرار گرفته بود. چندی بعد نام دختر ۱۱ ساله‌ای به‌عنوان سومین شاکی ثبت شد. این دختر گفت: «مرد غریبه از من آدرس پرسید اما یک‌دفعه به‌زور مرا سوار وانت کرد و گفت اگر سرر و صدا کنم من را می‌کشد خیلی ترسیده بودم. اصلا نتوانستم کاری بکنم تا اینکه راننده من را به جایی خارج از شهر برد و مورد آزار قرار داد بعد دوباره سوار ماشین کرد و در یکی از خیابان‌ها گفت از ماشین پیاده شوم او تهدید کرد نباید دربارہ این ماجرا به کسی حرفی بزنم اما وقتی به خانه‌ام رسیدم همه چیز را برای مادرم تعریف کردم.»

پنج قاره

اجساد که متعلق به دو خواهر سه‌ساله و دو ساله هستند در ماشین لباسشویی خانه‌شان کشف شدند. پلیس اعلام کرد: این دو کودک در حین بازی داخل ماشین لباسشویی رفتند و بر اثر خفگی جان خود را از دست دادند. در زمان حادثه مادر این دو کودک در حال آشپزی بود و پدرشان نیز به موسیقی گوش می‌داد. بررسی درباره جزئیات این حادثه ادامه دارد.

قتل همسر به بهانه هزینه بالای طلاق

● **ایستا**: مرد هندی همسرش را به بهانه بالا بودن هزینه طلاق کفه کرد. این مرد هندی که با همسرش ساکن دویی بود پس از آنکه متوجه شد هزینه طلاق همسرش بالاست و باید میلیی را ماهانه به او پرداخت کند، تصمیم گرفت همسرش را به قتل برساند. بنا بر اعلام پلیس دویی، این مرد ۲۳ساله با همکاری دوست پاکستانی‌اش همسر خود را هنگامی که خواب بود به قتل رساند و جسد او را داخل سطل زباله رها کرد. متهم پس از دستگیری به پلیس گفت: وقتی متوجه شدم طبق قوانین لازم است پس از طلاق همسرم میلیی را به‌عنوان نفقه هر ماه به وی بپردازم، تصمیم به این اقدام گرفتم. پلیس دویی در حال بررسی جزئیات بیشتر و جمع‌آوری شواهد است.

اجساد ۲ کودک در ماشین لباسشویی

● **شینهو**: پلیس چین درباره کشف اجساد دو کودک خردسال در ماشین لباسشویی تحقیق می‌کند. این

نگاه

قانون و اسیدپاشی



● اسیدپاشی از مهم‌ترین و بارزترین مصادیق خشونت جسمانی است که بنابر تصور عموم بیشتر علیه زنان صورت می‌گیرد (البته آمار منتشرشده از پزشکی‌قانونی در سال ۱۳۸۵ گواه این مطلب بوده است که تعداد قربانیان زن و مرد در این خشونت برابر بودند) اسیدپاشی شکلی از انتقام‌گیری است که در آن هدف اصلی تخریب زیبایی قربانی است، متأسفانه این جرم نسبت به گذشته افزایش پیدا کرده و با توجه به آثار روانی که روی فرد قربانی و حتی جامعه برجای می‌گذارد از نظر بسیاری از افراد از جرم قتل نیز سنگین‌تر است زیرا فرد بدون چهره و زیبایی طبیعی خویش شاید تا آخر عمر اسکان بینایی، اشتغال، ازدواج و… را از دست بدهد و این برای قربانی تجربه‌ای به مراتب سخت‌تر از مرگ است. اسیدپاشی از گذشته در جامعه ما وجود داشته اما نهایتاً در ۱۶ اسفند سال۱۳۳۷ پس از آنکه روی یک قاضی دادگستری به منظور انتقام، اسید پاشیده شد ماده واحده‌ای تحت عنوان قانون مربوط به اسیدپاشی به تصویب رسید که بر اساس این ماده قانونی (هرکس عمدا یا باشنیدن اسید یا هرنوع ترکیبات شیمیایی دیگر موجب قطع کسی شود، به مجازات اعدام و اگر موجب مرض دایمی یا فقدان یکی از حواس مجنی‌علیه گردد به حبس جنایی درجه یک و اگر موجب قطع یا نقصان و از کار افتادگی عضوی از اعضا شود به حبس جنایی درجه دو از دو تا پنج‌سال محکوم خواهد شد) متأسفانه از آن زمان تاکنون هیچ تغییری در مجازات اسیدپاشی رخ نداده است البته در قانون مجازات اسلامی اعدام به قصاص نفس تبدیل شد و قسمت اخیر این ماده واحده، مجازات شروع به جرم حبس از دو تا پنج‌سال باقی ماند. در جرم اسیدپاشی اگر مجنی‌علیه کشته شود فرد جانی به قصاص نفس محکوم می‌شود اما اگر عضوی از اعضای بدن خویش را از دست بدهد مرتکب به قصاص عضو محکوم خواهد شد. در باب قصاص اعضای آسیب‌دیده در قانون مجازات اسلامی پنج‌شرط ذکر شده است که از مهم‌ترین آنها برابری قصاص با جنایت به‌طور مطلق و همچنین نحوه انجام آن است که باید به گونه‌ای باشد که موجب تلف‌شدن و مرگ مجنی‌علیه و آسیب‌رساندن به عضو دیگر نشود. عدای از کارشناسان پزشکی و حقوقی معتقدند این شرط در اجرای قصاص اسیدپاشی قابل رعایت نیست و مایع‌بودن اسید باعث می‌شود به اعضای دیگر نیز سرایت کند و عملاً امکان برابری قصاص و جنایت را منتفی می‌کند. همچنین نحوه پاشیدن اسید، غلظت آن، زمانی که طول می‌کشد تا قربانی به مرکز درمانی منتقل شود، در ایجاد آثاری متفاوت دخیل است و قطعاً امکان در نظر گرفتن تمامی این شرایط بر اجرای قصاص ممکن نیست. به همین علت تاکنون در پرونده‌های اسیدپاشی معمولاً دیه و ارش پرداخت می‌شود و نکته قابل توجه این است که هزینه‌های درمانی و اعمال جراحی که روی صورت قربانی انجام می‌شود چندین برابر میزان کل دیات و ارش است و فرد آسیب‌دیده علاوه بر تحمل فشار روانی فراوان باید برای بهتر شدن نسبی ظاهر خویش به‌جای تسک به قانون به وام و کمک افراد خیر چشم داشته باشد. تنها امید در اینگونه پرونده‌ها ماده یک قانون مسوولیت مدنی است که بیان می‌کند: «هرکس بدون مجوز قانونی عمدا یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگر به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه وارد نمایند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسوول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشند.»

دلگام می‌تواند با توجه به این ماده میزان خسارت مادی و معنوی را با جلب نظر کارشناس محاسبه کند اما متأسفانه این قانون از جمله قوانینی است که در مجازات اسیدپاشی متروک و مطروحه مانده است حال آنکه قضات با توجه به این ماده می‌توانند تمامی هزینه‌های درمانی را از مرتکب مطالبه کنند. چراکه قطعاً با دیه و ارش و حتی اجرای قصاص مشکلات قربانی به پایان نمی‌رسد. امید است تا زمانی که قانون اسیدپاشی مجدداً مورد بازبینی قرار گیرد، با توسل به ماده یک مسوولیت مدنی قربانیان اسیدپاشی بتوانند از پس هزینه‌های درمانی گزاف خود بر آیند.

پریده اخبار

- چهار عضو اصلی باند وحشت که پس از ربودن زنان آنها را مورد آزار واذیت قرار می‌دادند، در کرمان اعدام شدند.**
- خلبانی بر اثر سقوط هواپیمای «سوخوی ۲۵» در روسیه جان خود را از دست داد.**
- آتش‌نشانان تهران روز دوشنبه در جریان امدادرسانی در ۱۴۶ حادثه مختلف، موفق شدند ۳۰ شهروند را که گرفتار حادثه شده بودند، نجات دهند.**
- کامیون میکسر بتن هنگام حمل بار و عبور از کوچه‌ها روی دیوار منزل مسکونی در جنوب تهران واژگون شد اما به هیچ‌کس آسیب جانی نرسید.**